

اثر نزاع‌های داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه

*محمدشریف کریمی^۱، مریم حیدریان^۲، معصومه دورباش^۳

۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد بخش عمومی، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی

(دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۸)

Effect of Internal and External Conflicts on Economic Growth in Middle East Countries

*Mohammad Sharif Karimi¹, Maryam Heidarian², Masoume Dourbash³

1. Assistant Professor of Economics, Razi University

2. Ph.D. Student of Public Sector Economics, Razi University

3. M.A. In Energy Economics, Razi University

(Received: 9/May/2018 Accepted: 19/Sep/2019)

Abstract:

Establishing security is one of the important pillars of economic growth and the most important economic impact of security in the phenomenon of investment and economic growth is observed. The establishment of security in society is influenced by several factors, among which the institutions in the society and government are the most important of these factors. In both internal and external conflicts, each of them, in turn, will undermine security and, as a result, will undermine the economic growth of a country. Therefore, in this research, we tried to study the effect of internal and external conflicts on economic growth in Middle East countries during the period 1996-2018. By examining the nature and effect of conflicts on economic growth, first, the effect of external conflict on internal conflict in the form of a panel probe model, then in two separate models of the impact of internal and external disputes on the quality of institutions and economic integration indexes are examined. Finally, in a generalized method of moments system the simultaneous influence of internal and external conflicts, quality of institutions indicators and economic integration on economic growth have been investigated. The results of the model estimation show the positive effects of external conflicts on the internal conflicts and then the negative effects of internal and external conflicts on the quality of institutions and economic integration. In the final model, the increase in domestic and foreign conflicts has led to a decline in Middle East economic growth. Of course, the negative effects of foreign conflicts have been more than internal conflicts in the economic growth model.

Keywords: Internal Conflicts, External Conflicts, Economic Growth, Economic Integration, Quality of Institutions.

JEL: F51, F52, O43.

چکیده:

ایجاد امنیت یکی از بسترهای مهم رشد اقتصادی است و مهمترین اثرات اقتصادی امنیت در پدیده سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبلور می‌یابد. استقرار امنیت در جامعه متأثر از عوامل مختلفی است که در این میان نهادهای موجود در جامعه و دولت مهمترین این عوامل محسوب می‌شوند. نزاع‌های داخلی و خارجی هرکدام به نوبه خود باعث تزلزل در امنیت و در نتیجه بی‌ثباتی رشد اقتصادی یک کشور خواهد شد. لذا در این پژوهش تلاش شده است، به بررسی اثر نزاع‌های داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۱۹۹۶ پرداخته شود. با بررسی ماهیت و نحوه اثرگذاری نزاع‌ها بر رشد اقتصادی، ابتدا اثرات نزاع خارجی بر نزاع داخلی در قالب یک مدل پروبیت پانلی، سپس در دو مدل جداگانه اثرگذاری نزاع‌های داخلی و خارجی بر شاخص کیفیت مؤسسات و یکپارچگی اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در نهایت در یک مدل گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی اثرگذاری همزمان نزاع‌های داخلی و خارجی، شاخص‌های کیفیت مؤسسات و یکپارچگی اقتصادی بر رشد اقتصادی بررسی شده است. نتایج برآورد مدل‌ها حاکی از اثر مثبت نزاع‌های خارجی بر داخلی و سپس اثرات منفی نزاع‌های داخلی و خارجی بر کیفیت مؤسسات و یکپارچگی اقتصادی در کشورهای مورد بررسی بوده است. در مدل نهایی نیز افزایش نزاع‌های داخلی و خارجی موجب کاهش رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه شده است. البته اثر منفی نزاع‌های خارجی بیشتر از نزاع‌های داخلی در مدل رشد اقتصادی بوده است.

واژگان کلیدی: نزاع‌های داخلی، نزاع‌های خارجی، رشد اقتصادی،

یکپارچگی اقتصادی، کیفیت مؤسسات.

طبقه‌بندی JEL: F51, F52, O43.

* نویسنده مسئول: محمدشریف کریمی

E-mail: s.karimi@razi.ac.ir

*Corresponding Author: Mohammad Sharif Karimi

۱- مقدمه

از مهمترین اثرات اقتصادی نزاع‌های داخلی و خارجی در پدیده سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبلور می‌یابد. سرمایه‌گذاری نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد و روند شکل‌گیری منبعث از عوامل مختلفی است. یکی از مهمترین عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی، صرف‌نظر از کسب سود حاصل از سرمایه‌گذاری، ریسک و مخاطره است. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران در فضای نامناسب به لحاظ مخاطره و ریسک فعالیت نمی‌کنند. بنابراین ایجاد اطمینان و امنیت در کشورها، برای حضور روزافزون سرمایه‌گذاران، امری ضروری محسوب می‌شود و به این دلیل است که محیط امن اقتصادی عامل اساسی رشد اقتصادی و توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه و به خصوص کشورهای نفت‌خیز است. افزایش امنیت اقتصادی از طریق کاهش بدبینی و نااطمینانی به بازدهی موردانتظار سرمایه‌گذاری‌ها از یک سو، فرار سرمایه را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر به افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کمک می‌کند. این امر سبب می‌شود که طرف عرضه اقتصاد رشد کرده و توانایی حضور موفق در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی را پیدا کند و از این طریق رشد و توسعه را بیش از پیش شتاب بخشد.

نکته بارز در مورد مفهوم امنیت، توجه همزمان به دو مقوله نزاع‌های داخلی و خارجی و زمینه‌های شکل‌گیری آنهاست. در حال حاضر بسیاری از کشورهای در حال توسعه از زیربنای اساسی لازم جهت استحکام، اقتدار و ثبات سیاسی و اقتصادی بی‌بهره‌اند. اولویت اول در این نوع اقتصادها پایه‌ریزی نهادهای ساختاری اولیه برای قانونمندی شامل تأمین جان و مال افراد در مقابل اقدام‌های جنایی، محدودسازی و کنترل اقدامات خودسرانه ماموران دولتی و ایجاد نظام قضایی عادلانه و قابل پیشگیری (امنیت داخلی اولیه) است. پس از پایه‌ریزی بنیان‌های قانونمند یاد شده، باید روش‌هایی را یافت که در آن بخش‌های خاصی از نظام حقوقی بتوانند به تثبیت حقوق مالکیت کمک کنند. ایجاد اصلاحات در این خصوص زمانی نتیجه می‌دهد که قابلیت‌های نهادی قوی وجود داشته باشد، چرا که فقر، محرومیت، تبعیض و فساد از عوامل توسعه نیافتگی و عوامل ضدامنیت و بروز نزاع‌های داخلی شناخته می‌شود. همچنین متزلزل شدن پایه‌های ساختار سیاسی و اقتصادی یک کشور، زمینه را برای اثرگذاری بیشتر نزاع‌های خارجی بر اقتصاد داخلی یک کشور می‌گشاید (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بالا، هدف اولیه تمام سیستم‌های اقتصادی و نقطه مطلوب تمامی تلاش‌هایی است که برای تنظیم امور اقتصادی جوامع صورت می‌گیرد. اقتصاددانان از سال‌های پیش همواره درصدد تبیین تفاوت کشورهای مختلف جهان از منظر رشد و توسعه اقتصادی بودند و عوامل مختلفی را برای این تفاوت مطرح کرده‌اند. در ابتدا عوامل اقتصادی مانند نرخ پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، رشد عوامل تولید، سرمایه انسانی و غیره در تبیین تفاوت سطح توسعه کشورها مطرح بود، اما با مطالعات گسترده‌تر مشخص شد که علاوه بر عوامل اقتصادی، عوامل غیراقتصادی نیز در تفاوت سطح توسعه کشورها مؤثر است (خدایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۰).

عواملی همچون ثبات سیاسی، حاکمیت نظم و قانون، تضمین قراردادهای، میزان فساد دستگاه‌های اداری، حقوق مالکیت، اختلافات قومی، نژادی و فرهنگی، امنیت داخلی و خارجی از جمله عوامل غیراقتصادی هستند که در رشد و توسعه اقتصادی کشورها نقش اساسی دارند (اسماعیل‌نیا و وصفی اسفستانی، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

مطالعات متعدد نشان می‌دهد که میزان نزاع‌های داخلی و خارجی، از مهمترین عوامل مؤثر در رشد و توسعه کشورها محسوب می‌شود. به بیان دیگر، ثبات سیاسی داخلی و امنیت خارجی، اصلی‌ترین سنگ بنای اقتصاد است که شالوده تمامی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در طول تاریخ بر آن استوار شده است (موردوچ و ساندلر^۱، ۲۰۰۴: ۱۴۱ و عرب‌مازار و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵).

استقرار امنیت در جامعه متأثر از عوامل مختلفی است که در این میان نهادهای موجود در جامعه و دولت مهمترین این عوامل محسوب می‌شوند. امنیت دارای ابعاد مختلفی است که شامل ملی، انتظامی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، نرم، زیستی، سرمایه‌گذاری و غیره می‌شود. همچنین هر یک از سطوح مختلف امنیت، دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر هستند (فطرس و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۰). برخی ابعاد امنیت از گذشته‌های دور مطرح بوده و برخی دیگر از قبیل فرهنگی، حقوقی، نرم، زیستی، سرمایه‌گذاری و غیره مربوط به عصر جدید است که منشأ آن به پیشرفت‌های نوین در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی انسان برمی‌گردد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۶).

1. Murdoch & Sandler (2004)

بخشی و آزاد ساختن مردم از آن دسته قید و بندهای فیزیکی و انسانی که آنان را از انجام آنچه آزادانه تصمیم به انجامش می‌گیرند باز می‌دارد. جنگ و تهدید جنگ یکی از این قید و بندهاست. و فقر، آموزش و پرورش ضعیف، سرکوب سیاسی و مانند آنها نیز نمونه دیگر آن است. امنیت و رهایی دوروی یک سکه‌اند. رهایی بخش و نظم (نه قدرت) است که امنیت راستین به‌وجود می‌آورد (بوث^۱، ۱۹۹۱: ۳۱۹).

دو رویکرد سنتی و نوین در تحلیل اثرگذاری امنیت بر رشد اقتصادی در ادبیات اقتصادی وجود دارد؛ در رویکرد سنتی، انباشت قدرت از مؤلفه‌های اصلی امنیت است که در قالب مخارج نظامی و از طریق دو کانال اثرات تقاضا و عرضه ظاهر می‌شود.

از زاویه مثبت تقاضا، یک افزایش برون‌زا در مخارج نظامی، سمت تقاضای اقتصاد را تحریک و افزایش می‌دهد. افزایش تقاضای کل از طریق مخارج نظامی باعث می‌شود که میزان بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی کشور افزایش یافته و افزایش نرخ بهره‌وری ناشی از آن موجب ارتقای سطح تولید از طریق ضریب فزاینده کینزی و در نهایت رشد اقتصادی شود. علاوه بر این اگر هزینه‌های نظامی صرف تولید تجهیزات و ادوات نظامی شود، صادرات آن می‌تواند باعث بهبود تراز تجاری شده و از مسیر ضریب فزاینده رشد اقتصادی را افزایش دهد (دان و همکاران^۲، ۲۰۰۵: ۴۵۱).

از زاویه منفی تقاضا، گسترش مخارج نظامی با توجه به محدودیت بودجه دولت از طریق اثر جایگزینی این مخارج غیرنظامی بخش عمومی (مانند مخارج سرمایه‌گذاری و مخارج آموزشی و بهداشتی)، افزایش مالیات‌ها و بدهی‌های خارجی (از جانب کسری بودجه)، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. این مسئله را می‌توان براساس مثال جایگزینی اسلحه با رفاه تشریح کرد. بر این اساس خرید اسلحه باتوجه به کمبود ارز، منابع موجود را برای وارد کردن کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌گذاری در جهت بهبود رشد اقتصادی بلندمدت پایدار کاهش می‌دهد (نارایان و اسمیت^۳، ۲۰۰۹: ۲).

از کانال اثرات عرضه می‌توان تأثیر هزینه‌های نظامی روی رشد اقتصادی را اینگونه تشریح کرد که افزایش این هزینه‌ها از طریق بکارگیری فاکتورهای تولید (نظیر سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و منابع طبیعی) و تکنولوژی — به واسطه

لذا در این پژوهش تلاش می‌شود ضمن بررسی اثرگذاری نزاع‌های خارجی بر داخلی از طریق مدل‌های پروبیت، به تحلیل اثرات این دو مقوله (نزاع‌های داخلی و خارجی) بر متغیرهای اقتصادی و سیاسی (یکپارچگی اقتصادی و کیفیت مؤسسات) پرداخته و در نهایت اثرات مؤلفه‌های ذکر شده بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب خاورمیانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. انتخاب منطقه خاورمیانه به دلیل ماهیت نفت‌خیز بودن کشورهای آن و کثرت نزاع‌های داخلی و خارجی در سال‌های اخیر می‌باشد تا بتوان اثرات این متغیرها را بر میزان رشد اقتصادی کشورهای منطقه سنجید.

براین اساس در ادامه سازماندهی مقاله به قرار زیر است؛ در بخش دوم به مبانی نظری اثرات نزاع‌های داخلی و خارجی بر اقتصاد داخلی پرداخته خواهد شد. در بخش سوم ضمن مروری بر پیشینه‌های تجربی پژوهش، نوآوری و کاربردی بودن نتایج این تحقیق مطرح خواهد شد. در بخش چهارم، روش تحقیق، مدل و متغیرهای مورد استفاده ذکر و در بخش پنجم یافته‌های مدل‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، و در نهایت در بخش پایانی به نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی در این حوزه پرداخته خواهد شد.

۲- ادبیات موضوع

در این قسمت قبل از پرداختن به مبانی و چارچوب اثرگذاری نزاع‌های داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی، لازم است از مفهوم امنیت در عدم بروز و کاهش نزاع‌های پیش روی یک کشور شروع نمود.

۲-۱- امنیت و رشد اقتصادی

امنیت عبارت است از رها بودن از خطر یا ترس و هرگاه فرد، سازمان، دولت یا جامعه‌ای واقعاً از خطر مورد نظر رها بوده یا در مقابل آن حفاظت شود، گفته می‌شود که آن فرد، سازمان، دولت یا جامعه از امنیت برخوردار است. در این تعریف امنیت پدیده‌ای عینی تلقی شده و در برخی دیگر از تعاریف بر ادراکی و ذهنی بودن آن تأکید شده است. بر اساس این رویکرد، رها بودن واقعی از خطر، مبین امنیت نیست. بلکه در صورتی که فرد، سازمان، دولت یا جامعه‌ای احساس رها بودن از خطری را داشته باشد، نسبت به آن خطر از امنیت برخوردار خواهد بود (برومند و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸).

در نهایت اینکه امنیت به معنی نبود تهدیدهاست. رهایی

1. Booth (1991)
2. Dunne et al. (2005)
3. Narayan & Smyth (2009)

توانایی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد و جامعه است. امنیت با تعریف جدید، نقش مهمی نیز در عملکرد و رشد اقتصادی می‌تواند ایفا کند. بر این اساس شاخص‌های مرتبط با امنیت به عنوان یکی از عوامل نهادی همچون محیط صلح آمیز، فقدان فساد، عدم شکنندگی دولت و سایر موارد در نظر گرفته می‌شود (اسماعیل نیا و وصفی اسفستانی، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

۲-۲- اثرگذاری درآمدهای نفتی بر نزاع‌های داخلی

و خارجی

پژوهشگران سال‌هاست این پرسش را مطرح کرده‌اند که چرا جنگ‌ها آغاز می‌شوند؟ به این پرسش پاسخ‌های بسیاری داده شده است. از جمله عواملی که این محققان به آن اشاره کرده‌اند، منابع طبیعی بوده است. از نظر فیلیپ بیلون^۱، منابع طبیعی در گذشته به عنوان ابزار یا اهداف جنگ و نیز اهداف استراتژیک مورد استفاده قرار گرفته است و در آینده نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. وی اظهار می‌کند که بین جنگ، ثروت و قدرت رابطه ناگسستگی وجود دارد (بیلون، ۱۹۸۵: ۳۳۱).

از آنجا که منابع طبیعی به طور همگن در سراسر جهان وجود ندارد و تنها در برخی مناطق و تحت کنترل برخی کشورها یا گروه‌ها یافت می‌شود، از این رو جوامعی که به این منابع نیاز داشتند، برای دستیابی به آنها به اقدامات تهاجمی دست می‌زدند، بالاخص اگر این منابع طبیعی برای ادامه حیات فیزیکی یا اقتصادی سایر جوامع موردنیاز باشد. به عنوان مثال پس از جنگ جهانی دوم، نفت به مهمترین سوخت و منبع انرژی موتور اقتصادی کشورهای جهان تبدیل شد و کشورهای نفت‌خیز در معرض تهاجم دیگران قرار گرفتند. در این باره هامفریز معتقد است، حداقل شش مکانیسم می‌تواند رابطه بین منابع طبیعی و جنگ را توضیح دهد، که این مکانیسم‌ها عبارتند از: عملکرد شورشیان حریص داخلی، عملکرد دولت‌های حریص خارجی، نقش گروه‌های ناراضی، طرز عمل گروه‌های فرصت‌طلب، وجود دولت‌های ضعیف و وجود شبکه‌های پراکنده (هامفریز^۲، ۲۰۰۵: ۵۱۰).

به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که مواد خام یکی از مهمترین عوامل وقوع جنگ در کشورها و مناطقی است که از نعمت این منابع برخوردارند. از آنجا که خلیج فارس و کشورهای خاورمیانه به عنوان مهمترین کشورهای صادرکننده

پیوندهای پسی و پشین با سایر بخش‌های اقتصادی - سطح تولید بالقوه را افزایش و رشد اقتصادی را تسریع می‌بخشد. البته ممکن است این کانال مانند کانال اثرات تقاضا، از طریق تغییر موجودی سرمایه و اثر جایگزینی مخارج نظامی به جای مخارج سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی را کاهش دهد (دان و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۵۰).

علاوه بر دو کانال مطرح شده، افزایش مخارج نظامی می‌تواند از طریق افزایش امنیت، رشد اقتصادی را به طور غیرمستقیم افزایش دهد. بعضی از نظریات اقتصادی، امنیت را نوعی کالای عمومی می‌دانند که خصوصیات غیرقابل استثنا کردن و غیررقابتی بودن در مصرف در آن وجود دارد. این ویژگی‌ها موجب شده است تا تامین مالی هزینه‌های دفاعی توسط بخش‌های غیردفاعی توجیه پذیر شود. به عبارت دیگر، بخش دفاعی که اغلب تولیدکننده نوعی کالای عمومی خالص است با سایر بخش‌های غیردولتی اقتصادی شباهت چندانی ندارد (گل‌خندان، ۱۳۹۳: ۲۷).

در رویکرد نوین ارتباط امنیت و رشد اقتصادی، مدل‌های رشد نئوکلاسیک، چارچوب مهمی برای رشد بلندمدت اقتصاد فراهم می‌کنند. در فرضیه‌های این مدل بیان می‌گردد، عوامل تعیین کننده تفاوت درآمد، بیشتر ناشی از تفاوت در زیرساخت‌های اجتماعی و به عبارت دیگر نهادها و سیاست‌هایی است که باعث تشویق سرمایه‌گذاری و تولید به جای مصرف و انحراف منابع می‌شود. این انحراف که در ادبیات اقتصادی با عنوان رانت جویی معرفی می‌شود به طور مشخص بر اشکالی مانند جنایت، بند و بست برای فرار مالیاتی و دعاوی قلابی اشاره دارد.

نهادها و سیاست‌هایی که زیرساخت‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند، شامل عواملی هستند که محیطی را به وجود می‌آورند که تصمیم‌گیری خصوصی در داخل آن انجام می‌گیرد. اگر جرم و جنایت کنترل نشود یا جنگ داخلی یا حمله خارجی وجود داشته باشد، پاداش سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی و فعالیت‌هایی که تولید را افزایش می‌دهد، پایین خواهند آمد. یا اگر به قراردادهای احترام نگذارد نشود یا تفاسیر دادگاه‌ها از آن غیرقابل پیش‌بینی باشد، طرح‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت جذابیت کمتری پیدا خواهند کرد (رومر، ۲۰۰۱: ۲۷۲).

رویکرد نوین امنیتی قرابت معنایی بالایی با بحث تأثیر نهادها و سیاست‌ها در عملکرد اقتصادی دارد. این رویکرد به رهایی از عوامل تهدیدکننده فردی و اجتماعی تأکید داشته و درصد ایجاد بستر لازم برای ایجاد و ظهور پتانسیل‌ها و

1. Filipe Le Billon (1985)

2. Humphreys (2005)

در کل می‌توان گفت مزایای ناشی از یکپارچگی اقتصادی، در افزایش فرصت‌های یادگیری، سرریز دانش و تغییر روش‌های بهره‌وری نهفته است که خود باعث افزایش رشد اقتصادی یک کشور و حتی یک منطقه خواهد شد. از آنجایی که این منافع به صورت متقارن در سراسر جهان تحقق نیافته است، لذا وسعت یکپارچگی اقتصادی بستگی به شرایط یک کشور یا یک منطقه، سیاست‌های اساسی، محیط سازمانی، سرمایه انسانی و امنیت منطقه دارد. از سوی دیگر، وابستگی شدید به سرمایه‌های بین‌المللی، یک کشور را در معرض خطرات بحران مالی و انحرافات حساب جاری قرار می‌دهد. شواهد تجربی گویای آن است که یکپارچگی اقتصادی در صورتی فزاینده رشد اقتصادی است که وابستگی کشورها را براساس عوامل نهادی و سیاستی داخلی و خارجی یک کشور تغییر دهد. به گونه‌ای که متزلزل شدن این عوامل باعث انحراف در مسیر جهانی شدن ملی و منطقه‌ای می‌شود. بروز نزاع‌های داخلی و خارجی یکی از این عوامل هستند که باعث ایجاد فضای ضد امنیتی در منطقه خواهند شد و تمایل به یکپارچگی اقتصادی کاهش می‌یابد (چانگ و همکاران^۲، ۲۰۰۹: ۳۷؛ هنری و همکاران^۳، ۲۰۱۲: ۷).

۲-۴- اثرگذاری نزاع‌های داخلی و خارجی بر کیفیت

مؤسسات

کیفیت مؤسسات به عنوان یکی از مؤلفه‌های محیط سیاسی، یکی از ابعاد چارچوب نهادی جامعه محسوب می‌شود که تعیین کننده عملکرد اقتصادی جوامع است. ثبات سیاسی، موجب کاهش ریسک، کاهش ناطمینانی، افزایش اعتماد، گسترش ارتباطات و تعاملات بین بنگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی، خلق نهادهای کارآمد، افزایش امنیت دارایی‌های فیزیکی و ذهنی افراد و در نتیجه اولین شالوده و پایگاه برای فعالیت‌های مولد و نوآوری‌هایی می‌شود که به جای حرکت در مسیر جریان عادی، جهش‌های اقتصادی را ممکن می‌سازد. در مقابل، بی‌ثباتی سیاسی اثر منفی بر قابل پیش‌بینی بودن محیط سیاسی، نرخ سرمایه‌گذاری، مدت زمان روی کار ماندن سیاست‌گذار و قابلیت دوام سیاست‌های عمومی می‌گذارد. همچنین بی‌ثباتی سیاسی باعث می‌شود تغییر ساختار قدرت با فرصت‌های انتقال ثروت همراه شود. علاوه بر این، دولت

و صاحب منابع عظیم نفتی شناخته شده‌اند، بنابراین این منابع نقش مهمی در درگیری‌ها و جنگ‌های منطقه بازی کرده‌اند (مهرابی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۶۵؛ میرترابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶).

۲-۳- اثرگذاری نزاع‌های داخلی و خارجی بر یکپارچگی اقتصادی^۱

تئوری یکپارچگی اقتصادی دلالت بر آزادسازی تبعیض آمیز تجارت دارد و به صورت تجارت ترجیحی گروهی از کشورهای یک منطقه یا یک قاره با اعمال تبعیض تجاری علیه سایر کشورهای جهان (کشورهای غیرعضو) تعریف می‌شود. معنای متداول یکپارچگی اقتصادی از نظر روابط بین‌الملل این است که گروه‌ها و جوامع ذینفع با اتخاذ تصمیمات عقلایی و در بخش‌های مختلف علمی، اقتصادی، فنی و اجتماعی فعالیت دارند و با ملاحظه نتایج مثبت این همکاری، حوزه عمل و تصمیم‌گیری را به صورت افقی و عمودی تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت که یکپارچگی اقتصادی و ترتیبات تجاری- منطقه‌ای یک گام اساسی به سمت جهانی شدن اقتصاد روی آورده تا بتوانند به مزیت رقابتی در بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند و مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل کرده و زمینه ارتقاء سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را در درون منطقه فراهم نمایند.

همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی امری است که امروزه در جهان به چشم می‌خورد و زمینه اقتصادی این نوع همکاری‌ها بارزتر از بقیه بوده است تا جایی که دنیا شاهد حرکت اقتصادهای ملی به سمت تشکیل یک اقتصاد واحد جهانی است.

نزدیکی و ادغام اقتصادی کشورهایی که در یک منطقه قرار دارند، به واسطه فاصله کوتاهتر و کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل از یک طرف و وجوه مشترک دیگری همانند تشابهات اقتصادی، فرهنگی، زبان و دین و ساختار اقتصادی از سوی دیگر می‌تواند یکپارچگی‌های اقتصادی مختلفی را برای کشورهای جهان حاصل نماید و امکان همکاری‌های اقتصادی و تجاری آنها را فراهم سازد. بنابراین روی آوردن به یکپارچگی‌های اقتصادی می‌تواند یکی از راه‌های مقابله با اثرات ناگهانی ورود به فرایند جهانی شدن نیز باشد و اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه را در مقابل رقابت جهانی حفظ نماید.

2. Chang et al. (2009)

3. Henry et al. (2012)

1. Economic Integration

تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری را نیز افزایش می‌دهند. بنابراین کیفیت مؤسسات باعث پاسخگو شدن دولت‌ها شده و پذیرش رشد اقتصادی بالاتر را تسهیل می‌کنند (اعجم آغلو^۲، ۲۰۰۱: ۱۳۷۴؛ اعجم آغلو و همکاران^۳، ۲۰۱۴: ۵؛ فناس و میهو^۴، ۲۰۱۳: ۳۶۸؛ کترر و رودریگز^۵، ۲۰۱۶: ۱۱).

۲-۵- اثرگذاری نزاع‌های داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی

نزاع، چه از نوع داخلی و چه از نوع خارجی، یکی از ابزارهای تحقق منافع گروه‌ها، نهادها و دولت‌ها به شمار می‌رود که برای کسب منافع موردنظر یا پایان دادن به مناقشه مورد استفاده قرار می‌گیرد، دانشمندان علوم سیاسی و سایر نظریه‌پردازان نواقح‌گرا تأکید دارند که نزاع، انتخابی آگاهانه و حساب شده است و نه رویدادی انفجاری و خارج از اراده انسان‌ها و دولت‌ها (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

نگاهی به نزاع‌های داخلی پس از سال ۱۹۶۰ نشان دهنده برخی الگوهای فضایی است که تقریباً ۷۵ درصد از نزاع‌های داخلی ناشی از همسایگی جغرافیایی بوده است. لذا این سرریز فضایی نزاع باعث ایجاد اثرات مخربی بر اقتصاد داخلی کشورهای همسایه خواهد شد که کانال‌های اثرگذاری آن به شرح زیر است:

- جریان‌های ورودی پناهندگان به کشور داخلی که می‌تواند در بی‌ثباتی وضعیت اقتصادی و سیاسی آن کشور تأثیر بگذارد (گلدیتسچ و همکاران^۶، ۲۰۰۲: ۶۲۰؛ مترنیچ و همکاران^۷، ۲۰۱۵: ۱۷).

- نزاع در کشور همسایه باعث یادگیری مشتاقان داخلی و تقلید فرصت‌ها می‌شود (بک^۸، ۲۰۱۴: ۴۲؛ گارسیا و ویمپی^۹، ۲۰۱۴: ۱۳).

این اثرات می‌توانند نزاع داخلی را تشدید نموده، نگرش عمومی مردم را به سوی خشونت معطوف نماید، به ویژه آنکه اگر کشور موردنظر ساختار اقتصادی و سیاسی ضعیفی داشته باشد، توانایی مقاومت در برابر این اثرات مخرب به شدت

بی‌ثبات نمی‌تواند تعهدات سیاستی خود را در مسیر افزایش پس‌اندازها جامه عمل بپوشاند و در نتیجه به عملکرد بازارهای مالی آسیب می‌زند. در نتیجه ریسک سیاسی منجر به کاهش ظرفیت و توان حفظ امنیت سرمایه‌گذاران در آن کشور می‌گردد. همگی این موارد منجر به کاهش رشد اقتصادی در جامعه می‌شود (دوهان و هنرکسون^۱، ۲۰۰۷: ۲۴).

بی‌ثباتی سیاسی به عنوان مهمترین عامل داخلی اما برون‌ساختاری (اقتصادی) نزدیک‌ترین و معنادارترین تعامل را با مفهوم امنیت اقتصادی در تأثیرگذاری بر عوامل تولید داراست (زارعشاهی، ۱۳۷۹: ۲۲۶). در حالت کلی می‌توان ادعا نمود نقطه آغاز بی‌ثباتی سیاسی تقاضا برای تغییرات سیاسی است. این تقاضا از دو جنبه قابل بررسی است؛ از منظر نخست نیاز به تغییرات از ساختار داخلی حاکمیت سیاسی آغاز می‌شود که می‌تواند عوامل متعددی همچون به وجود آمدن اختلاف و کشمکش میان سیاست‌گذاران باشد. از منظر دوم، احساس نیاز به اعمال تغییرات از خارج سیستم به ساختار سیاسی تحمیل شود. اغلب منشأ این تقاضا می‌تواند افزایش سطح آگاهی مردم، نارضایتی از نظام سیاسی، فشار گروه‌های اپوزوسیون و غیره باشد.

حکومت نیز از طریق مشروعیت سیاسی یا تهدید و سرکوب به ثبات سیاسی دست می‌یابد. سرایت این تشنج و ناآرامی به فضای اجتماعی تمرکز لازم برای مدیریت اقتصادی را از بین می‌برد و چه بسا نوع کنش و تقابل اعتراضی فضای اجتماعی همچون اعتصابات، اقتصاد را با بحران‌ها و چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. به هرحال، آنچه مسلم است بی‌ثباتی سیاسی فارغ از نوع و شدت خود همواره انرژی و پتانسیل‌هایی را که می‌بایست در مسیر رشد اقتصاد به کار گرفته شوند به یغما می‌برد و روند طبیعی سیستم اقتصادی را در اثر سوء مدیریت که ناشی از منازعات درون حزبی و برون حزبی باشد، منحرف می‌سازد و سرعت رشد اقتصادی را کند می‌سازد (اصغرپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۰).

به طور کلی اهمیت مؤسسات در توسعه و رشد اقتصادی یک کشور دوطرفه است: اول اینکه کیفیت مؤسسات بر انگیزه‌های صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری و تجارت تأثیر می‌گذارد و دوم، تخصیص منابع اجتماعی مؤسسات را تعیین می‌کنند. مؤسساتی که حقوق مالکیت را محترم می‌شمارند، عملکرد بازاری خوبی دارند، قدرت پیش‌بینی و شفافیت در روند

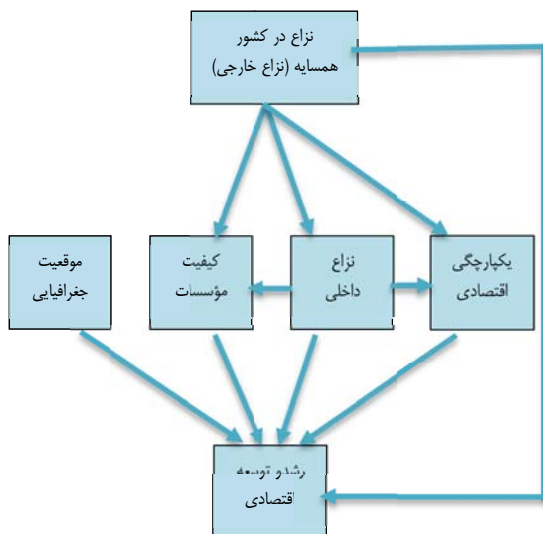
2. Acemoglu (2001)
3. Acemoglu et al. (2014)
4. Fatas & Mihov (2013)
5. Ketterer & Rodrguez (2016)
6. Gleditsch et al. (2002)
7. Metternich et al. (2015)
8. Bakke (2014)
9. Garcia & Wimpy (2014)

1. Douhan & Henrekson (2007)

زیرساخت‌های فیزیکی نیز دامن بزند. از سوی دیگر ابتکارات و خلاقیت‌هایی که به دلیل کاهش تجارت و خودکفایی در کشور داخلی ایجاد می‌شود، نمونه‌هایی از اثرات غیرمستقیم نزاع‌ها می‌باشد (کالی و همکاران^۶، ۲۰۱۵: ۸۹).

صندوق بین‌المللی پول در گزارشی اثرات تخریبی نزاع بر اقتصاد و اجتماع را به صورت زیر عنوان می‌کند:

۱. کاهش شدید تولید ناخالص داخلی کشورهای درگیر جنگ
۲. اثر قابل ملاحظه بر همسایگان در قالب کاهش رشد اقتصادی
۳. بحران‌های پناهجویان از جمله تخریب اعتماد و از بین رفتن همبستگی اجتماعی و کیفیت نهادی
۴. کاهش سرمایه انسانی از طریق کاهش جمعیت و مهاجرت آنها
۵. از بین رفتن فرصت‌های شغلی و گسترش فقر
۶. تخریب سرمایه فیزیکی و زیرساخت‌ها
۷. تضعیف همبستگی اجتماعی و کیفیت نهادی^۷



شکل ۱. چارچوب مفهومی از اثرگذاری نزاع داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی
 مأخذ: مطالعه کیرمیگنانی و کلر (۲۰۱۸)

۲-۶- مروری بر مطالعات تجربی داخلی و خارجی

بررسی مطالعات موجود در حوزه نزاع‌های داخلی و خارجی و اثرات آنها بر رشد اقتصادی نشان داد که تنها مطالعات اندکی

کاهش می‌یابد (لینک و همکاران^۱، ۲۰۱۵: ۳۱؛ بریت‌ویت^۲، ۲۰۱۰: ۳۱۲؛ ماوس و بریت‌ویت^۳، ۲۰۱۳: ۴۸۰).

دولت‌های داخلی می‌توانند راهبردهای پیشگیری‌رانه‌ای برای مقابله با اثرات مخرب به کار گیرند. از جمله هدایت و مداخله نظامی در کشور دارای نزاع (همانند عملکرد ایران در سوریه و عراق). در این صورت احتمال نزاع به ۸۰ درصد کاهش می‌یابد (بردسلی^۴، ۲۰۱۱: ۱۰۵۵). یکی دیگر از اقدامات پیشگیرانه سرکوب شورشیان بالقوه داخلی است. از دیدگاه توسعه، سرکوب‌گری باعث تضعیف دولت داخلی شده و قدرت پاسخگویی دولت به شهروندان را کاهش می‌دهد. لذا در این حالت، نزاع همسایه از طریق تضعیف کیفیت نهادی، باعث کاهش رشد اقتصادی کشور داخلی می‌شود. از دیگر اثرات فضایی نزاع‌های داخلی و خارجی می‌توان به کاهش تجارت و سرمایه‌گذاری اشاره نمود که در مجموع یکپارچگی اقتصادی را در مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشورها دچار اختلال می‌کند. لذا در این مطالعه شروع فرایند اثرگذاری نزاع بر رشد اقتصادی از نزاع خارجی خواهد بود که ابتدا بر روی شکل‌گیری نزاع داخلی اثر گذاشته، سپس باعث تغییراتی در مؤلفه‌های اقتصادی و نهادی کشور داخلی همچون کیفیت مؤسسات و یکپارچگی اقتصادی خواهد شد و در نهایت رشد اقتصادی کشور داخلی را مختل می‌نماید.

در شکل (۱)، دو علت بنیادین رشد اقتصادی که توسط نزاع‌های همسایه شکل می‌گیرد؛ سرکوب پیشگیرانه که منجر به تضعیف کیفیت نهادی می‌شود و کاهش یکپارچگی اقتصادی. موقعیت جغرافیایی نیز یک عامل بیرونی نزاع است که با توجه به مرز جغرافیایی مشترک بین کشورها تعیین می‌شود. علاوه بر این کاتال‌ها، خود نزاع داخلی که می‌تواند نشأت گرفته از نزاع خارجی باشد، دارای اثر مستقیم بر رشد اقتصادی کشور داخلی است. به گونه‌ای که بر سرمایه‌های فیزیکی و انسانی در تابع رشد درون‌زا تأثیر گذاشته و موجب کاهش رشد اقتصادی شود (کیرمیگنانی و کلر^۵، ۲۰۱۸: ۴۸۶).

البته یک استدلال از اثرات مثبت نزاع‌های داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی کشور داخلی وجود دارد و آن هم افزایش سهم نیروی کار به دلیل مهاجرت از کشورهای دارای نزاع است که احتمالاً این موضوع خود می‌تواند به تراکم

1. Linke et al. (2015)
2. Braithwaite (2010)
3. Maves & Braithwaite (2013)
4. Beardsley (2011)
5. Carmignani & Kler (2018)

6. Cali et al. (2015)
 7. Economic Impact of Selected Conflicts in the Middle East, <https://www.imf.org>

داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. در این مطالعه، مکانیزم‌های انتقال نزاع داخلی و خارجی در کشورهای دارای مرز جغرافیایی مشترک بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای داخلی با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی پروبیت و گشتاورهای تعمیم‌یافته مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه که برای تمام کشورهای دنیا انجام شده است، نشان از هزینه بالای نزاع‌های داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی دارد (کیرمیگنانی و کلر، ۲۰۱۸: ۴۸۴).

۲-۶-۲- مطالعات تجربی داخلی

اصغرپور و همکاران در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های سری زمانی سالانه سیاسی و اجتماعی، اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۳۹-۱۳۸۸ را مورد بررسی قرار دادند. برای این منظور با استفاده از تکنیک APARCH اثر متغیر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی براساس دو شاخص بی‌ثباتی سیاسی رسمی و بی‌ثباتی غیررسمی مورد آزمون قرار گرفته است. یافته‌های تجربی این مطالعه نشان می‌دهد متغیرهای مربوط به هر دو شاخص بی‌ثباتی سیاسی مذکور تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند (اصغرپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

مطالعه گلخندان در ارتباط با تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته با استفاده از رهیافت GMM و داده‌های آماری سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۴ نشان می‌دهد که تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منفی بوده و آن تأثیر در کشورهای توسعه یافته مثبت بوده است (گلخندان، ۱۳۹۳: ۲۳). فیروزنیا و همکاران در مطالعه‌ای به تأثیر بروز جنگ تحمیلی بر روند توسعه اقتصادی روستاهای منتخب شهرستان مرزی قصرشیرین پرداخته‌اند. این پژوهش که مبتنی بر روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و با تکمیل ۲۱۴ پرسش‌نامه خانوار و افراد خبره محلی و شورای اسلامی در روستاهای جنگ زده مورد مطالعه انجام پذیرفته است، مشخص می‌سازد که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران سبب بروز تغییرات شدیدی در ابعاد اقتصادی به ویژه اشتغال، رکود فعالیت‌های اقتصادی، تخریب زیرساخت‌ها و همچنین عدم امکان استفاده از اراضی کشاورزی و کاهش جمعیت داشته و در مقابل روند توسعه کالبدی روستاها در نتیجه اجرای برنامه بازسازی در روستاهایی که بازسازی شده تسریع شده است (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

آن هم به صورت پراکنده با مفاهیم دیگری همچون دموکراسی، امنیت، مخارج نظامی، بی‌ثباتی سیاسی و غیره انجام شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۲-۶-۱- مطالعات تجربی خارجی

تیواری و تیواری^۱ در مطالعه‌ای با استفاده از روش VECM اثرات مخارج دفاعی را بر رشد اقتصادی در کشور هندوستان مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشانگر رابطه منفی بین رشد اقتصادی و مخارج دفاعی است (تیواری و تیواری، ۲۰۱۰: ۱۱۷).

ییلدیریم و همکاران^۲ در تحقیقی با عنوان "مخارج نظامی، رشد اقتصادی و سرریز فضایی: چشم انداز جهانی"، با استفاده از تلفیق مدل رشد سولو و مدل فدررم به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و مخارج نظامی پرداخته‌اند. این تحقیق با روش پانل دیتا و اطلاعات آماری ۱۳۳ کشور جهان برای سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۰ انجام شده و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد مخارج نظامی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای جهان دارد (ییلدیریم و همکاران، ۲۰۱۱: ۸۱۱).

کنوتسن^۳ به بررسی نوع رژیم و ظرفیت دولت کشورهای جنوب صحرائی آفریقا و تأثیر آنها بر رشد اقتصادی پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر این است که دموکراسی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین بین دموکراسی و ظرفیت دولت بر رشد اقتصادی در این کشورها و در کل جهان اثر متقابل قوی‌ای وجود دارد (کنوتسن، ۲۰۱۲: ۳۹۳).

مان هو و دینوف^۴ با استفاده از ترکیب مدل چندمتغیره خطی لگاریتمی و تجزیه و تحلیل تبعیض، رابطه بین رشد اقتصادی و صلح را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق این فرض که در نظریه رشد نئوکلاسیک سایر متغیرهای برون‌زا از قبیل صلح، سیاست‌ها، تاریخ و فرهنگ و به طور کل نهادها، نقش مکانیکی و تعیین کننده (همانند عوامل کار، سرمایه و تکنولوژی) در رشد اقتصادی ندارند، به آزمون گذاشته شده و نتیجه‌گیری شده است که با وجود رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و محیط صلح آمیز، این رابطه خطی و مکانیکی نیست (مان هو و دینوف، ۲۰۱۳: ۳۰).

کیرمیگنانی و کلر^۵ در مطالعه‌ای به بررسی اثرات نزاع‌های

1. Tiwari & Tiwari (2010)
2. Yildirim et al. (2011)
3. Knutsen (2012)
4. Man Ho & Dinov (2013)
5. Carmignani & Kler (2018)

مدل‌های اقتصادسنجی گسسته: در مدل‌های اقتصادسنجی اگر متغیر وابسته کیفی، حالت گسسته یا حالت رتبه‌ای داشته باشد، به عبارت دیگر، در اختیار کردن مقادیر خود، با محدودیت مواجه باشد؛ برای تخمین ضرایب باید از مدل‌های گسسته استفاده نمود و در صورت استفاده از رگرسیون‌های معمولی، ضرایب تخمینی نه تنها تورش دار، بلکه ناسازگار هم خواهند بود. بنابراین برای تخمین این مدل‌ها از مدل لاجیت و مدل پروبیت استفاده می‌شود (سوری، ۱۳۹۲: ۸۳۵). در مدل احتمال خطی وقوع پدیده y (متغیر وابسته صفر و یک) تابعی خطی از متغیرهای توضیحی است (هیل و همکاران^۱، ۲۰۰۸: ۲۳۲).

(۱)

$$P(y = 1|X) = E(y = 1|X) = X\beta = \beta_0 + \beta_1 X_{1t} + \dots + \beta_k X_{kt}$$

اما در مدل لاجیت احتمال وقوع y تابعی خطی از متغیرهای توضیحی یعنی $X\beta$ نیست، بلکه این احتمال تابع توزیع لجستیک دارد (هیل و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۳۹).

(۲)

$$P(y = 1|X) = \Lambda(X\beta) = \frac{1}{1 + e^{-X\beta}}$$

در این مدل از تخمین‌زنده‌ی حداکثر راست‌نمایی برای تخمین پارامترها استفاده می‌شود. مدل پروبیت دقیقاً مانند مدل لاجیت است با این تفاوت که احتمال وقوع متغیر وابسته دارای توزیع نرمال استاندارد شده است (ترین^۲، ۲۰۰۳: ۱۰۵).

(۳)

$$P(y = 1|X) = \phi(X\beta) = \int_{-\infty}^{X\beta} \frac{1}{\sqrt{2\pi}} e^{-\frac{1}{2}u^2} du$$

نکته قابل توجه در مدل‌های لاجیت و پروبیت چگونگی تفسیر ضرایب است. در این مدل‌ها علامت و معنی‌داری ضرایب دارای اعتبار هستند اما تفسیر ضرایب با محاسبه اثرات نهایی^۳ مقدر می‌شود. اثرات نهایی مدل‌های غیرخطی مانند لاجیت و پروبیت به مانند اثرات جزئی مقدار قابتی نیستند و بسته به نقطه محاسبه، مقدار آنها نیز تغییر خواهد کرد. در این ارتباط سه انتخاب متداول وجود دارد: اثر نهایی در مقادیر نمونه و سپس محاسبه متوسط آن (AME)^۴، اثر نهایی در میانگین رگرسیون‌های نمونه (MEM)^۵، و اثر نهایی در مقادیر نماینده

اسماعیل‌نیا و وصفی‌اسفستانی در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب پرداخته‌اند. در این پژوهش آثار اقتصادی دو رویکرد سنتی و نوین امنیتی با استفاده از شاخص‌های مختلفی چون شکنندگی دولت‌ها، درک فساد، صلح و مخارج نظامی برای ۱۳۵ کشور در دو دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ و ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ با استفاده از تحلیل پانل دیتا مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که شاخص‌های منبعث از رویکردهای سنتی، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی ندارند و رویکردهای نوین به دلیل ساختارگرا بودن و توجه به طیف وسیعی از عوامل ناامن‌کننده ارتباط مثبتی با مؤلفه‌های اقتصادی در جوامع مختلف دارند (اسماعیل‌نیا و وصفی‌اسفستانی، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

فقه‌مجیدی و همکاران در مطالعه‌ای به بررسی اثرات دموکراسی بر رشد اقتصادی در ۹۹ کشور در حال توسعه در دوره ۲۰۱۳-۱۹۸۰ با استفاده از روش پانل دیتا پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط، اثر متغیرهای دموکراسی، شاخص خانه آزادی، آزادی مدنی، و حقوق سیاسی بر رشد اقتصادی، منفی و معنادار است. در کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط اثر دموکراسی مثبت و معنادار بوده و مؤلفه‌های دیگر دموکراسی، اثر معناداری بر رشد اقتصادی ندارند (فقه‌مجیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۷).
با توجه به مطالعات تجربی انجام شده در حوزه اثرگذاری نزاع‌های داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی، در این مطالعه تلاش شده است به پیروی از مطالعه کیرمیگنایی و کلر (۲۰۱۸) از مدل‌های اقتصادسنجی پروبیت، حداقل مربعات و GMM سیستمی برای ۱۴ کشور منتخب منطقه خاورمیانه به بررسی اثرات نزاع خارجی بر مؤلفه‌های نهادی و ساختاری رشد اقتصادی از جمله یکپارچگی اقتصادی و کیفیت مؤسسات پرداخته و در نهایت در یک مدل جامع اثرات تمام این متغیرها بر رشد اقتصادی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. نکته بارز این مطالعه در مقایسه با مطالعه کیرمیگنایی و کلر (۲۰۱۸) در انتخاب کشورهای همگن می‌باشد که با توجه به ماهیت نفت‌خیز بودن و بحران‌های داخلی و خارجی که در خاورمیانه در طول سال‌های اخیر پیش آمده است، این دسته‌بندی انجام شده است.

۳- روش شناسی پژوهش

۳-۱- معرفی مدل‌های اقتصادسنجی گسسته و

GMM سیستمی

1. Hill et al. (2008)
2. Train (2003)
3. Marginal Effects
4. Average Marginal Effect
5. Marginal Effect at Mean

موجب حذف اثر واحد می‌شود. تخمین‌زن OLS و درون گروهی، درون‌زایی (همبستگی) متغیر وابسته وقفه‌دار را به حساب نمی‌آورد. برای رفع این نقص در رابطه (۶) جزء اخلاص به صورت الگوی خطای دوطرفه تصریح شده است:

$$u_{it} = \mu_i + \lambda_i + v_i \\ i = 1, 2, \dots, 14 \quad t = 1996, \dots, 2018$$

μ_i نشان دهنده اثرات خاص هر استان و λ_i نشان دهنده اثرات خاص سال است؛ آرلانو و باند^۴ (۱۹۹۱) روش کلی سازگار تخمین لحظه‌ای را برای پارامترهای این نوع از مدل‌ها ارائه داده‌اند. این روش تخمین در مجموعه داده‌هایی با مقاطع زیاد و سری زمانی محدود قابل کاربرد است و نباید در جملات خطا خودهمبستگی وجود داشته باشد. ویژگی خاص روش GMM برای داده‌های پانل پویا این است که تعداد شرایط گشتاوری با T افزایش می‌یابد. دو عیب‌یابی با استفاده از روش GMM آرلانو و باند برای آزمون همبستگی سریالی مرتبه اول و دوم در اخلاص‌ها محاسبه می‌شود. بنابراین آزمون سارگان^۵ با فرض صفر مبنی بر اعتبار محدودیت بیش از حد شناسایی شده اجرا می‌شود. شواهد محاب‌کننده‌ای وجود دارد که شرایط گشتاوری بسیار زیاد با وجود اینکه کارایی را افزایش می‌دهد، باعث اریب می‌شود.

بالتاجی^۶ (۲۰۰۵) پیشنهاد می‌کند برای استفاده از مزیت کاهش اریب و از دست دادن کارایی، زیرمجموعه‌ای از این شرایط بکار گرفته شود. آرلانو و باند (۱۹۹۱) این ایده را با استفاده از ابزارهای در دسترس بیشتری، ارتقا داده‌اند. با گسترش روش GMM توسط هانسن^۷ (۱۹۸۲)، بسیاری از وقفه‌های متغیر وابسته، متغیرهای از پیش تعیین شده و متغیرهای درون‌زا به عنوان متغیرهای ابزاری مجاز شناسایی شدند. این تخمین‌زن GMM مستلزم هیچ‌گونه دانشی در مورد شرایط اولیه یا اخلاص‌های v_{it} و μ_{it} نیست و برای عملیاتی کردن این تخمین‌زن به جای Δv_{it} مقدار باقیمانده‌های تفاضل‌گیری شده قرار داده می‌شود که از تخمین‌زن سازگار مقدماتی $\hat{\theta}$ به دست آمده است. تخمین‌زن به دست آمده را تخمین‌زن GMM آرلانو و باند یک مرحله‌ای می‌نامند. آرلانو و باند با استفاده از ماتریس متغیرهای ابزاری، تخمین‌زننده‌های GMM تک مرحله‌ای و دومرحله‌ای را ارائه

رگرسورها (MER)^۱، بنابراین در الگوهای لاجیت و پروبیت به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر احتمالات پیش‌بینی شده متغیر وابسته یا برای انتخاب پیشنهادهای متناوب دیگر، اثر نهایی یا احتمال نهایی محاسبه می‌شود که با استفاده از رابطه (۴) می‌توان اثرات نهایی متغیرها را بر روی احتمالات به دست آورد (گرین^۲، ۲۰۱۲: ۶۹).

$$\frac{\partial \text{prob}(y_{it}=j|x)}{\partial x} = \{\phi[\mu_{j-1} - \beta x] -$$

$$\phi[\mu_{j-2} - \beta x]\} \times \beta$$

در این مطالعه با توجه به نتایج بدست آمده از مقایسه مدل‌های مختلف، بهترین نتایج مربوط به ضرایب مدل پروبیت می‌باشد.

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی: وجود

وقفه درون یک معادله رگرسیونی از سه طریق جزء خطا، مقادیر وقفه‌دار متغیر وابسته و مقادیر وقفه‌دار متغیرهای توضیحی نمود می‌یابد. رگرسیون با اجزای خطای پویا هنگامی مطرح می‌شود که متغیر وابسته وقفه‌داری در میان رگرس‌کننده‌ها حضور داشته باشد؛ یعنی:

$$(۵)$$

$$Y_{it} = \theta Y_{it-1} + \beta X_{it} + \mu_{it} + v_{it} \\ i = 1, 2, \dots, N \quad t = 1, 2, \dots, T$$

آندرسون و هسیائو^۳ (۱۹۸۲) این الگو را به‌طور گسترده بررسی کرده‌اند. از آنجایی که Y_{it} تابعی از μ_{it} است، از این‌رو Y_{it-1} با اجزای خطا همبسته است. این موضوع نشان می‌دهد که تخمین‌زن OLS دارای تورش و ناسازگار است، حتی اگر v_{it} ها به طور سریالی همبسته نباشند، برای تخمین‌زن اثرات ثابت، تبدیل درون گروهی موجب حذف μ_{it} ها می‌شود، اما \hat{Y}_{it-1} هنوز با \hat{v}_{it} همبسته است؛ حتی اگر v_{it} ها به‌طور سریالی همبسته نباشند. آندرسون و هسیائو وقفه‌های بیشتری را برای سطح یا تفاوت متغیرهای وابسته به صورت ابزاری برای متغیرهای وابسته باوقفه در مدل‌های داده‌های ترکیبی پویا به منظور حذف اثر مقاطع پیشنهاد دادند. در واقع محققان مذکور پیشنهاد کردند برای خلاص شدن از μ_{it} ها، ابتدا از الگو، تفاضل اول گرفته و سپس از $\Delta Y_{it-2} = (Y_{it-2} - Y_{it-3})$ یا صرفاً Y_{it-2} به عنوان متغیر ابزاری برای $\Delta Y_{it-1} = (Y_{it-1} - Y_{it-2})$ استفاده می‌شود. متغیرهای ابزاری ΔY_{it} در محل متغیر وابسته و ΔY_{it-1} در محل متغیر باوقفه درون‌زا

4. Arellano & Bond (1991)

5. Sargan Test

6. Baltagi (2005)

7. Hansen (1982)

1. Marginal Effect at Representative Value

2. Greene (2012)

3. Anderson & Hsiao (1982)

نزاع داخلی یک و برای بقیه صفر در نظر گرفته شده است.
 NC_{it} : متغیر دامی برای نزاع خارجی که برای کشورهای درگیر نزاع خارجی یک و برای بقیه صفر در نظر گرفته شده است.
 IQ_{it} : شاخص ریسک سیاسی به عنوان شاخصی برای کیفیت مؤسسات در نظر گرفته شده است و به صورت میانگینی از ۶ متغیر؛ پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد محاسبه شده است.

EL_{it} : شاخص یکپارچگی اقتصادی که به صورت مجموع صادرات و واردات کالاها و خدمات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی بدست آمده^۲ و برحسب درصد می‌باشد.
 $LOILR_{it}$: لگاریتم درآمدهای نفتی برحسب شاخص قیمت سال پایه ۲۰۱۰.

$LGDP_{it}$: لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه برحسب شاخص قیمت سال پایه ۲۰۱۰.

$LPOP_{it}$: لگاریتم جمعیت هر کشور

$GDPG_{it}$: رشد اقتصادی هر کشور خاورمیانه که به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی واقعی هر کشور در هر سال نسبت به سال قبل در نظر گرفته شده است.

$GDPG_{it-1}$: رشد اقتصادی با وقفه یک دوره

GCF_{it} : تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی

LLF_{it} : لگاریتم تعداد نیروی کار در هر کشور

همانطور که ذکر شد، این معادلات برای ۱۴ کشور خاورمیانه؛ ایران، بحرین، مصر، عراق، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، ترکیه، امارات متحده عربی، یمن برآورد می‌شوند. در شکل (۲)، میانگین تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه کشورهای منتخب ترسیم و در جدول (۱) نیز سال‌های وقوع نزاع داخلی و خارجی در کشورهای منتخب و علت آنها ذکر شده است. قطر، کویت و امارات دارای بالاترین میزان تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر هستند و پایین‌ترین این نسبت مربوط به کشورهای یمن، مصر و اردن می‌باشد.

کردند. برای جمله خطاهای دارای واریانس همسان، آزمون سارگان به طور مجانبی دارای توزیع کای دو است. با این فرض آرلانو و باند خودهمبستگی مرتبه اول و دوم را برای تفاضل مرتبه اول جمله خطا آزمون کردند. البته اگر این روش برای دوره زمانی بسیار کوتاه پانل در نظر گرفته شود، نتایج ضعیف خواهد بود. آرلانو و باور^۱ (۱۹۹۵) توضیح دادند که اگر معادلات اصلی در سطح به معادلات تفاضل مرتبه اول اضافه شوند، شرط گشتاورهای اضافه می‌تواند باعث افزایش کارایی مدل شود (تخمین‌زننده GMM سیستمی). این تخمین‌زننده توسط بلوندل و باند (۱۹۹۸) احیا و بازنگری شد. تخمین‌زننده GMM سیستمی نسبت به تخمین‌زننده آرلانو و باند دارای این مزیت است که تفاضل‌گیری از مدل باعث حذف اثرات ثابت شده و کارایی مدل را افزایش داده است (آرلانو و باور، ۱۹۹۵: ۳۲).

۳-۲- معرفی مدل و متغیرهای مورد استفاده

باتوجه به مبانی نظری ارائه شده، چارچوب مفهومی شکل (۱) و مطالعه کیرمیگناتی و کلر (۲۰۱۸) مدل‌های اقتصادسنجی زیر جهت برآورد اثرات نزاع‌های داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی در ۱۴ کشور خاورمیانه در طول دوره زمانی ۲۰۱۸-۱۹۹۶ تعیین می‌شود:

(۷)

$$CC_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 NC_{it} + \alpha_3 IQ_{it} + \alpha_4 LOILR_{it} + \alpha_5 LPOP_{it} + \alpha_6 LGDP_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۸)

$$IQ_{it} = \beta_1 + \beta_2 NC_{it} + \beta_3 CC_{it} + \beta_4 LOILR_{it} + \beta_5 LGDP_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۹)

$$EL_{it} = \gamma_1 + \gamma_2 NC_{it} + \gamma_3 CC_{it} + \gamma_4 LOILR_{it} + \gamma_5 LGDP_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۱۰)

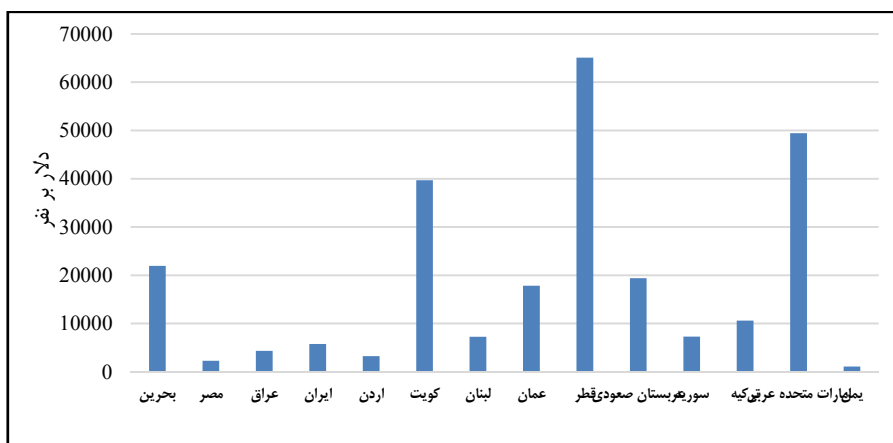
$$GDPG_{it} = \delta_1 + \delta_2 GDPG_{it-1} + \delta_3 NC_{it} + \delta_4 CC_{it} + \delta_5 IQ_{it} + \delta_6 EL_{it} + \delta_7 LOILR_{it} + \delta_8 GCF_{it} + \delta_9 LLF_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این معادلات:

CC_{it} : متغیر دامی برای نزاع داخلی که برای کشورهای درگیر

۲. اصطلاح یکپارچگی اقتصادی دقیقاً مشابه بازبودن تجاری است ولی مطابق با مطالعه کیرمیگناتی و کلر (۲۰۱۸)، به دلیل آنکه تسهیل تجارت در یک کشور، به امنیت داخلی و خارجی بستگی دارد، لذا این نشان از یکپارچگی یا عدم یکپارچگی شرایط اقتصادی است و به همین خاطر از این اصطلاح استفاده شده است.

1. Arellano & Bover (1995)



شکل ۲. میانگین تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه در کشورهای خاورمیانه برای دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۸
 مأخذ: داده‌های بانک جهانی

جدول ۱. سال‌های وقوع نزاع داخلی و خارجی در کشورهای خاورمیانه طی بازه زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۸

کشورها	نزاع داخلی	نزاع خارجی
بحرین	بهار عربی: ۲۰۱۱ تا کنون	اشغال عراق: ۲۰۰۳-۱۱۰۳
مصر	بهار عربی: ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳	آشوب در لیبی: ۲۰۱۱ تا کنون
عراق	جنگ داخلی کردها: ۱۹۹۶-۱۹۹۷	اشغال عراق: ۲۰۰۳-۲۰۱۱ بحران داعش به عراق: ۲۰۱۴-۲۰۱۷ جنگ سوریه: ۲۰۱۱-۲۰۱۷
ایران	-	اشغال عراق: ۲۰۰۳-۲۰۱۱ بحران داعش به عراق: ۲۰۱۴-۲۰۱۷
اردن	-	اشغال عراق: ۲۰۰۳-۲۰۱۱ بحران داعش به عراق: ۲۰۱۴-۲۰۱۷ جنگ سوریه: ۲۰۱۱-۲۰۱۷ جنگ حزب‌الله و اسرائیل در جنوب لبنان: ۲۰۰۶
کویت	-	اشغال عراق: ۲۰۰۳-۲۰۱۱ بحران داعش به عراق: ۲۰۱۴-۲۰۱۷
لبنان	جنگ‌های داخلی جنوب لبنان: ۱۹۸۵-۲۰۰۰	جنگ حزب‌الله و اسرائیل، در جنوب لبنان: ۲۰۰۶ جنگ سوریه: ۲۰۱۱-۲۰۱۷
عمان	-	-
قطر	-	اشغال عراق: ۲۰۰۳-۲۰۱۱
عربستان	-	اشغال عراق: ۲۰۰۳-۲۰۱۱ بحران داعش به عراق: ۲۰۱۴-۲۰۱۸ جنگ داخلی یمن: ۲۰۱۵ تا کنون جنگ سوریه: ۲۰۱۱-۲۰۱۷
یمن	بهار عربی: ۲۰۱۱ تا کنون	-
ترکیه	جنگ داخلی با کردهای ترکیه ۱۹۹۶-۲۰۱۲ ۲۰۱۵ تا کنون	اشغال عراق: ۲۰۰۳-۲۰۱۱ بحران داعش به عراق: ۲۰۱۴-۲۰۱۷ جنگ سوریه: ۲۰۱۱-۲۰۱۷
امارات	-	اشغال عراق: ۲۰۰۳-۲۰۱۱
سوریه	بهار عربی و جنگ داعش: ۲۰۱۱ تا کنون	اشغال عراق: ۲۰۰۳-۲۰۱۱ جنگ حزب‌الله و اسرائیل در جنوب لبنان: ۲۰۰۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش آنها نشان می‌دهد که متغیرهای یکپارچگی اقتصادی، لگاریتم جمعیت و لگاریتم تولیدسرانه در سطح مانا نبوده ولی با یکبار تفاضل‌گیری مانا شدند. سایر متغیرها با دارا بودن میانگین، واریانس و ساختار خودکواریانس ثابت در روند سری زمانی خود، فرضیه صفر مبنی بر نامانایی در سطح اطمینان ۹۵ درصد را رد کرده و لذا در سطح مانا می‌باشند.

۴-۲- نتایج آزمون‌های هم‌انباشتگی پانلی

از آنجایی که متغیرهای الگو طبق آزمون‌های ریشه واحد جواب یکسانی در مورد مانایی متغیرها گزارش نمی‌دهند، برای پرهیز از وجود رگرسیون کاذب در تخمین‌ها، باید هم‌انباشتگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل موردبررسی قرار گیرد. برای این منظور جهت بررسی و وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو از آزمون هم‌انباشتگی کائو^۵ (۱۹۹۹)، که بر پایه‌ی انگل-گرنجر است، استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون، عدم وجود هم‌انباشتگی است. نتایج در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون هم‌انباشتگی کائو

سطح احتمال	آماره t	آماره ADF
۰/۰۰۲۸	-۲/۷۶۸۸	معادله نزاع داخلی
۰/۰۳۱۱	-۱/۸۶۴۵	معادله کیفیت مؤسسات
۰/۰۰۰۱	-۳/۲۲۶۱	معادله یکپارچگی اقتصادی
۰/۰۰۸۲	-۲/۱۸۴۸	معادله رشد اقتصادی

مأخذ: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۳)، وجود هم‌انباشتگی بین متغیرهای الگو رد نخواهد شد و فرضیه صفر مبنی بر وجود هم‌انباشتگی تأیید می‌شود. بنابراین وجود رابطه‌ی تعادلی بلندمدت و عدم وجود رگرسیون کاذب نیز بین متغیرهای الگو در هر چهار مدل تأیید خواهد شد.

۴-۳- انتخاب میان اثرات ثابت و اثرات تجمیعی (آزمون چاو)

آزمون چاو برای آزمون انتخاب بین حداقل مربعات معمولی و مدل اثرات ثابت به کار می‌رود. در صورت تأیید اثرات ثابت، مدل از طریق داده‌های تابلویی برآورد می‌شود، در غیر این صورت به روش OLS تخمین زده می‌شود، زیرا فقط داده‌ها

5. Kao (1999)

۴-۱- نتایج برآورد مدل

۴-۱-۱- نتایج آزمون‌های ریشه واحد پانلی

یکی از مشکلات عمده در رگرسیون سری‌های زمانی پدید آمده رگرسیون ساختگی است. یعنی علیرغم ضریب تعیین بالا ولی رابطه معناداری بین متغیرها وجود ندارد. مسئله رگرسیون ساختگی می‌تواند برای مدل تلفیقی و پانلی نیز همانند مدل‌های سری زمانی مطرح گردد. لذا قبل از برآورد مدل، لازم است مانایی متغیرهای مورد استفاده در مدل و همچنین وجود هم‌انباشتگی بین متغیرها بررسی شود. به‌منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون‌های ریشه واحد پانلی لوین، لین و چو^۱ (۲۰۰۲)، ایم، پسران و شین^۲ (۲۰۰۳)، فیلیپس و پرون^۳ (۱۹۸۸) و آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۴ (۲۰۰۱) استفاده شده است. نتایج این آزمون‌ها در جدول (۲) ارائه شده است. فرضیه صفر این آزمون‌ها، بیانگر نامانایی متغیرها است.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون‌های ریشه واحد پانلی (با در نظر گرفتن عرض از مبدأ)

متغیرها	طول وقفه	آماره آزمون LLC	آماره آزمون IPS	آماره آزمون ADF	آماره آزمون PPF
EI	۰	*-۰/۵۷۱۹	-۰/۷۵۵۹	۲۹/۴۰۳۶	۲۸/۴۹۵۷
D(EI)	۱	-۱۱/۸۵۶۷	-۱۰/۴۳۸۲	۱۴۳/۳۸۳	۱۴۳/۸۹۱
GDPG	۰	-۴/۸۶۳۱	-۵/۴۸۷۲	۹۳/۳۹۸۴	۹۶/۵۸۶۲
IQ	۰	-۲/۴۷۵۹	-۳/۶۰۷۷	۴۳/۰۲۸۸	۴۶/۶۳۴۹
LGDP	۰	-۰/۵۰۹	۱/۲۳۳۶	۲۵/۳۲۱۹	۱۵/۴۲۲۶
D(LGDP)	۱	-۵/۴۷۴۹	-۵/۸۱۲۰	۱۰۴/۲۵۷	۱۲۷/۹۳۹
LPOP	۰	۳/۴۱۹۳	۶/۵۲۸۲	۱۸/۱۲۱۴	۳۹/۱۶۵۴
D(LPOP)	۱	-۸/۴۳۴۸	-۹/۸۴۰۸	۱۴۹/۰۳۷	۵۱/۸۱۰۶
LOILR	۰	-۲/۹۰۶۶	-۲/۱۶۲۲	۴۱/۰۳۷۰	۴۱/۱۹۹۹

*اعداد بالا ضرایب آماره آزمون‌های مربوط به متغیرها و اعداد داخل پرانتز احتمال آنها می‌باشد.

مأخذ: نتایج تحقیق

1. Levin, Lin and Chu (LLC)
2. Im, Pesaran and Shin (IPS)
3. Phillips & Perron (PP)
4. Augmented Dicky Fuller (ADF)

نتایج در جدول (۴) نشان داده شده است. با توجه به مقادیر آماره‌های محاسبه شده و سطح احتمال آن در هر چهار مدل، فرضیه صفر را نمی‌توان پذیرفت و بنابراین مدل‌ها به روش داده‌های تابلویی برآورد خواهد شد.

روی هم انباشته شده‌اند و تفاوت میان آنها نادیده گرفته می‌شود. فرضیات این آزمون براساس μ_i ها، که معرف اثرات ثابت هستند، به صورت زیر است:

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 = \dots = \mu_N = 0 \\ H_1: \text{حداقل یکی از } \mu_i \text{ها مخالف صفر است} \end{cases}$$

جدول ۴. نتایج آزمون‌ها

معادلات	معادله نزاع داخلی		معادله یکپارچگی اقتصادی		معادله کیفیت مؤسسات		معادله رشد اقتصادی	
	آماره	درجه زادی	آماره	درجه زادی	آماره	درجه زادی	آماره	درجه زادی
آزمون چاو	*۲۰/۵۷ (۰/۰۰۰)	{۱۳،۳۰۴}	۶۱/۸۷ (۰/۰۰۰)	{۱۲،۲۸۲}	۹۳/۹۸ (۰/۰۰۰)	{۱۳،۳۰۴}	۲/۰۸ (۰/۰۰۰)	{۱۲،۲۸۱}
آزمون بروش-پاگان	۴۸۵/۷۱ (۰/۰۰۰)	۱	۱۴۲۸/۷۲ (۰/۰۰۰)	۱	۲۰۵۵/۱۲ (۰/۰۰۰)	۱	۳۹/۶۵ (۰/۰۰۰)	۱
آزمون هاسمن	۱۲/۳۵ (۰/۰۱۴۹)	۴	۴/۶۲ (۰/۳۲۸۳)	۴	۰/۹۶ (۰/۹۱۶۴)	۴	۳/۵۵ (۰/۶۱۵۲)	۵

*اعداد بالا ضرایب آماره آزمون‌های مربوط به معادلات، اعداد داخل پرانتز احتمال آنها می‌باشند.

مأخذ: نتایج تحقیق

اینکه در این مدل اثر زمان دیده نمی‌شود و تنها اثرات بخشی در نظر گرفته می‌شود. در حالی که در مدل اثرات تصادفی، اثرات انفرادی در طول زمان ثابت هستند، ولی در میان کشورها تغییر می‌کنند. فرضیه صفر در آزمون هاسمن به صورت زیر بیان می‌گردد:

$$\begin{cases} H_0: \beta_{FE} = \beta_{RE} \\ H_1: \beta_{FE} \neq \beta_{RE} \end{cases}$$

در صورت رد فرضیه صفر، روش اثرات ثابت سازگار و اثرات تصادفی ناسازگار است و باید از روش اثرات ثابت استفاده کرد. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۴)، تنها معادله نزاع داخلی به روش اثرات ثابت برآورد می‌شود، در سایر معادلات روش اثرات تصادفی پذیرفته شده است.

۴-۶- نتایج حاصل از برآورد مدل‌ها

در این مرحله با توجه به چارچوب مفهومی شکل (۱) و معادلات (۷) - (۱۰)، ابتدا اثرگذاری نزاع خارجی بر نزاع داخلی مورد سنجش و تحلیل قرار می‌گیرد، به این منظور در معادله نزاع داخلی، چون متغیر دامی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است، لذا روش برآورد به یکی از روش‌های مدل‌های اقتصادسنجی گسسته است که از بین آنها مدل

۴-۴- انتخاب میان اثرات تصادفی و اثرات تجمیعی (آزمون LM)

برای این منظور از آزمون ضریب لاگرانژ (LM) بروش پاگان^۱ استفاده می‌شود. ابتدا مدل با اثرات تصادفی را برآورد کرده و سپس آزمون ضریب لاگرانژ انجام می‌شود. نتایج در جدول (۴) حاکی از آن است که فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تجمیعی در هر چهار مدل رد شده و بنابراین اثرات تصادفی پذیرفته شده است.

۴-۵- انتخاب میان اثرات ثابت و تصادفی (آزمون هاسمن)

برای تخمین مدل با داده‌ها به طور کلی دو روش عمومی وجود دارد که عبارتند از: روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی. جهت تعیین بکارگیری روش مناسب، آزمون هاسمن بکار گرفته می‌شود. در تخمین اثرات ثابت، فرض می‌شود عرض از مبدأ برای هریک از کشورها وجود دارد که متفاوت از سایر کشورهاست و این عرض از مبدأ می‌تواند با متغیرهای توضیحی مدل همبستگی داشته یا نداشته باشد که این روش به روش حداقل مربعات مجازی (LSDV) معروف است. ضمن

1. Brush- Pagane

در اقتصاد کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه دانست، به طوری که هر گونه تغییر و نوسان در درآمدهای نفتی، موجب بروز مشکلاتی در امنیت داخلی کشورها می‌شود. ولی با افزایش تولید سرانه، نزاع داخلی افزایش یافته است، این موضوع حاکی از بحران‌های منطقه‌ای در طول سال‌های اخیر است که منجر به فعالیت‌های اقتصادی موفقی در منطقه نشده است و رشد اقتصادی کشورهای منطقه رو به کاهش بوده است.

از سوی دیگر افزایش جمعیت در این کشورها، زمینه‌های اختلاف عقاید، باورها و سلاقی را افزایش داده و در نهایت منجر به افزایش ۰/۴۹۵۸ درصدی در نزاع‌های داخلی می‌شود. لذا بایستی در حوزه فرهنگ سازی و روابط اجتماعی جهت افزایش جمعیت تدابیری اعمال شود.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد معادلات یکپارچگی اقتصادی و کیفیت مؤسسات به روش اثرات تصادفی حداقل مربعات معمولی

تعمیم یافته

معادله رگرسیون یکپارچگی اقتصادی		معادله رگرسیون کیفیت مؤسسات		متغیرها
ضریب	سطح احتمال	ضریب	سطح احتمال	
-۰/۰۹۹۸	۰/۰۰۲۸	-۰/۱۰۹۰	۰/۰۱۱۰	نزاع داخلی
-۰/۸۰۲۲	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۲۰۶	۰/۰۰۰۳	نزاع خارجی
۰/۶۰۲۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۴۸	۰/۰۰۵۱	لگاریتم تولید سرانه
۰/۶۷۳۲	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۷۶	لگاریتم درآمدهای نفتی
۲۱/۷۱۸۷	۰/۰۸۲۵	۰/۴۱۷	۰/۰۰۰۰	عرض از مبدأ
آزمون‌های تشخیص و درستی مدل				
آماره R^2	۰/۸۸۴۴	۰/۸۱۵۱		
آماره \bar{R}^2	۰/۸۷۷۹	۰/۸۰۴۷		
آماره F	۱۳۴/۹۴۵۷	۰/۰۰۰۰	۸۷/۸۴۱۹	۰/۰۰۰۰
آماره دوربین-واتسون	۱/۹۸۵۰	۲/۰۷۱۳		

مأخذ: نتایج تحقیق

دو معادله یکپارچگی اقتصادی و کیفیت مؤسسات نیز به روش اثرات تصادفی حداقل مربعات تعمیم یافته برآورد می‌شوند. در این معادلات با توجه به نتایج آزمون‌های درستی مدل، ضریب تعیین (R^2) و ضریب تعیین تعمیم یافته (\bar{R}^2) نشان از قدرت توضیحی دهندگی بالای متغیرهای توضیحی در متغیر وابسته دارند. آماره F نشان از معناداری کل رگرسیون و آماره

پروبیست بهترین نتایج ممکن را ارائه نمود. باتوجه به آزمون‌های تشخیص و درستی مدل، آماره مک فادن نشان از درصد بالای پیش‌بینی برآورد مدل و نتایج سایر آزمون‌ها نیز حاکی از معنادار بودن کل رگرسیون برآوردی است. در جدول (۵)، نتایج حاصل از برآورد این مدل ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد معادله نزاع داخلی به روش پروبیست

پانلی

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح احتمال
نزاع خارجی	-۰/۲۷۶۲	۰/۱۹۰۳	۳/۴۵۱۱	۰/۰۰۶۷
کیفیت مؤسسات	-۱/۴۹۳۱	۱/۰۱۷۷	-۲/۴۴۹۷	۰/۰۱۴۳
لگاریتم درآمدهای نفتی	-۰/۰۱۷۷	۰/۰۰۵۹	-۳/۰۰۰۶	۰/۰۰۲۷
لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	۰/۱۸۳۷	۰/۰۸۹۰	۲/۰۶۴۲	۰/۰۳۹۰
لگاریتم جمعیت	۰/۴۹۵۸	۰/۱۰۴۹	۴/۷۲۵۳	۰/۰۰۰۰
عرض از مبدأ	-۱۱/۵۴۳۸	۲/۸۴۲۲	-۴/۰۶۱۴	۰/۰۰۰۰
آزمون‌های تشخیص و درستی مدل				
آماره R^2 مک فادن	۰/۷۴۱۳			
آزمون والد	۲۷/۰۵		۰/۰۰۰۱	
آزمون LR	۴۷/۳۹۱۱		۰/۰۰۰۰	
آزمون حداکثر درست‌نمایی	-۱۴۸/۶۶۰۷			

مأخذ: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج برآورد معادله نزاع داخلی در جدول (۵) و با فرض ثابت بودن سایر ضرایب، افزایش نزاع خارجی موجب افزایش ۰/۲۷۶۲ واحدی در نزاع داخلی می‌شود. می‌توان گفت در این حالت راه‌های نفوذ دشمنان و مخالفان بیشتر باز می‌شود و زمینه‌های شکل‌گیری نزاع داخلی نیز افزایش می‌یابد. لذا زمانی که در بیرون از مرزهای یک کشور، جنگ و نزاعی در حال شکل‌گیری است، بایستی بیشتر از هر زمان دیگری به چارچوب‌های نهادی و سیاستی داخلی توجه ویژه‌ای نمود تا از بروز نزاع‌های داخلی نیز جلوگیری شود.

با افزایش کیفیت مؤسسات به عنوان شاخصی از ریسک سیاسی و کیفیت نهادی، نزاع داخلی کاهش می‌یابد. مسلماً اگر نهادها و سازمان‌های یک کشور در چارچوب قوانین کشوری فعالیت کنند، امنیت داخلی از هر لحاظی برقرار خواهد شد.

با افزایش درآمدهای نفتی، میزان نزاع داخلی کاهش یافته است، این اثر را می‌توان ناشی از سهم بالای درآمدهای نفتی

از اعتبار و معنادار بودن کلیه ضرایب برآوردی است و لذا فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب در کشورهای منتخب در سطح معناداری یک درصد رد می‌شود. نتایج حاصل از تخمین این مدل در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج حاصل از برآورد معادله رشد اقتصادی به روش

گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح احتمال Z
رشد اقتصادی با یک دوره وقفه	-۰/۱۹۸۲	۰/۰۶۴۱	-۳/۱۳	۰/۰۰۲
نزاع داخلی	-۰/۰۰۷۱	۰/۰۰۵۱	-۲/۹۸	۰/۰۰۵
نزاع خارجی	-۰/۳۵۲۱	۰/۰۵۸۷	-۲/۶۷	۰/۰۰۳
شاخص کیفیت مؤسسات	۰/۷۶۱۲	۰/۰۵۲۱	۳/۱۴	۰/۰۰۰
شاخص یکپارچگی اقتصادی	۰/۰۳۱۲	۰/۰۳۵۱	۲/۷۸	۰/۰۰۶
لگاریتم درآمدهای نفتی	-۰/۳۲۷۱	۰/۰۶۷۱	-۳/۰۱	۰/۰۰۱
سرمایه ثابت ناخالص	۰/۰۱۹۲	۰/۰۰۱۴	۴/۰۵	۰/۰۰۰
نیروی کار	۰/۳۴۱۱	۰/۰۲۴۱	۳/۱۹	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	۰/۴۲۱۵	۰/۶۹۶۴	۶/۰۴	۰/۰۰۰
آزمون‌های تشخیص و درستی مدل				
آزمون سارگان - Sargan test		۲۸/۲۰۱۳	۰/۴۸۶۵	
آزمون خودهمبستگی سریالی آرلانو و باند	AR(1)	-۱/۰۳۵۹	۰/۰۷۵۵	
	AR(2)	-۱/۴۲۴۲	۰/۷۸۱۲	
آزمون والد - Wald test		۵۷/۸۶	۰/۰۰۰۰	

مأخذ: نتایج تحقیق

باتوجه به نتایج بدست آمده از برآورد مدل نهایی اثرات نزاع‌های داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه، می‌توان گفت با افزایش نزاع‌های داخلی و خارجی، میزان رشد اقتصادی در این کشورها کاهش یافته، البته نسبت کاهش رشد اقتصادی ناشی از نزاع‌های خارجی نسبت به داخلی بیشتر است. به دلیل هزینه‌های بالای تأمین امکانات و تجهیزات دفاعی و سایر ادوات جنگی، میزان رشد اقتصادی در جنگ‌های خارجی برای یک کشور کاهش بیشتری خواهد داشت. در حالی که در نزاع‌های داخلی به دلیل متزلزل شدن پایه‌های حکومتی و نهادی یک کشور، بی‌ثباتی‌های سیاسی و

دوربین - واتسون نیز حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین اجزاء اخلاص است. لذا ضرایب برآوردی جهت تجزیه و تحلیل مناسب هستند. نتایج این دو معادله در جدول (۶) ارائه شده است.

نتایج حاصل از برآورد دو معادله یکپارچگی اقتصادی و کیفیت مؤسسات نشان می‌دهد، اثرات هر دو نزاع داخلی و خارجی بر متغیرهای وابسته منفی و معنادار می‌باشد. ولی نکته بارز در میزان اثرگذاری این دو متغیر است. در معادله یکپارچگی اقتصادی به جهت تعامل با دنیای خارج و تجارت، اثرگذاری نزاع خارجی بیشتر از نزاع داخلی است ولی در معادله کیفیت مؤسسات به دلیل ماهیت این شاخص در نهادها و سازمان‌های داخلی، نزاع داخلی نسبت به نزاع‌های خارجی بیشترین اثرگذاری را بر این شاخص دارند.

افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه باعث افزایش مثبت و معناداری بر شاخص‌های کیفیت مؤسسات و یکپارچگی اقتصادی می‌شود. البته این اثرگذاری بر یکپارچگی اقتصادی بیشتر از کیفیت مؤسسات است.

ولی درآمدهای نفتی دارای اثر منفی و معناداری بر شاخص کیفیت مؤسسات است، در حالی که در معادله یکپارچگی اقتصادی این اثر مثبت و معنادار است. دلیل این رابطه را می‌توان در این موضوع دانست که تکیه بر درآمدهای نفتی در چارچوب نهادی یک کشور مصداق نفرین منابع است ولی در چارچوب خارجی، به حفظ تعامل و صادرات، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی کمک بسیاری می‌کند.

در نهایت در مدل رشد اقتصادی، به دلیل وجود یک وقفه از متغیر وابسته که در محل متغیرهای توضیحی وجود دارد، از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی آرلانو و باور/ بلوندل و باند (۱۹۹۵) آرلانو و باند (۱۹۹۱) تحت نرم‌افزار استاتا استفاده شده است. کلیه متغیرهای توضیحی به غیر از متغیرهای وقفه‌دار وابسته، برون‌زا می‌باشند. متغیرهای برون‌زا متفاوت از متغیرهای ابزاری در نظر گرفته شده‌اند. لازم به ذکر است تخمین‌ها براساس فرض همسانی واریانس‌ها ارائه شده‌اند. نتایج آزمون سارگان، وجود ناهمسانی در جملات خطا و همچنین اعتبار محدودیت بیش از حد شناسایی شده را رد می‌کند. لذا اعتبار متغیرهای ابزاری در مدل‌های برآوردی تأیید می‌شود. نتایج آزمون آرلانو و باند نشان‌دهنده وجود خودهمبستگی مرتبه اول و رد خودهمبستگی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول است و بدین ترتیب در مدل برآوردی تورش تصریح وجود ندارد. نتایج آزمون والد نیز حاکی

معنی نبود تهدیدهاست. رهایی بخشی و آزاد ساختن مردم از آن دسته قیدوبندهای فیزیکی و انسانی که آنان را از انجام آنچه آزادانه تصمیم به انجامش می‌گیرند، باز می‌دارد. نزاع‌های داخلی و خارجی هر کدام به نوبه خود باعث تزلزل در امنیت و در نتیجه بی‌ثباتی رشد اقتصادی یک کشور خواهد شد.

لذا با توجه به اهمیت این موضوع در ایران و کشورهای همسایه، در این مطالعه تلاش شد به بررسی اثرات نزاع‌های داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه (به جهت بروز بحران‌های منطقه‌ای ایجاد شده در طول سالیان اخیر) طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۱۹۹۶ پرداخته شود. با بررسی ماهیت و نحوه اثرگذاری نزاع‌ها بر رشد اقتصادی، ابتدا اثرات نزاع خارجی بر نزاع داخلی در قالب یک مدل پروبیت پانلی، سپس در دو مدل جداگانه اثرگذاری نزاع‌های داخلی و خارجی را بر متغیرهای حکومتی و تجاری؛ یعنی شاخص کیفیت مؤسسات و یکپارچگی اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در نهایت در یک مدل گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی اثرگذاری همزمان نزاع‌های داخلی و خارجی، شاخص‌های کیفیت مؤسسات و یکپارچگی اقتصادی بر رشد اقتصادی بررسی شده است.

نتایج برآورد مدل‌ها حاکی از اثرات مثبت نزاع‌های خارجی بر داخلی و سپس اثرات منفی نزاع‌های داخلی و خارجی بر کیفیت مؤسسات و یکپارچگی اقتصادی بود. در مدل نهایی نیز افزایش نزاع‌های داخلی و خارجی موجب کاهش رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه شده است. از یک سو تأمین مخارج نظامی با توجه به محدودیت بودجه دولت و از طریق اثر جایگزینی این مخارج با مخارج غیرنظامی بخش عمومی، افزایش مالیات و بدهی‌های خارجی، موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود و این مسئله را می‌توان براساس مثال جایگزینی اسلحه با رفاه نیز تشریح کرد.

از سوی دیگر، به خطر افتادن امنیت داخلی و بروز نزاع‌های داخلی در یک کشور، اعتماد عمومی مردم به حکومت را کاهش داده، ثبات سیاسی و اقتصادی را متزلزل نموده و باعث کاهش رشد اقتصادی و ناپایداری آن خواهد شد.

نکته بارز در این پژوهش انتخاب کشورهای همگن و دارای مرز جغرافیایی مشترک بود تا بتوان اثرات نزاع‌های همسایه را نیز مورد بررسی قرار داد. از پیشنهادهای این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تقویت همبستگی اجتماعی و کیفیت نهادی در کشورها جهت برطرف نمودن شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی

اقتصادی، رشد اقتصادی در بلندمدت کاهش بیشتری خواهد داشت.

رشد اقتصادی دوره گذشته نیز دارای رابطه منفی با رشد اقتصادی دوره جاری است. به عبارتی اگر رشد اقتصادی در دوره قبل افزایش یابد منجر به کاهش رشد اقتصادی در دوره فعلی خواهد شد. دلیل این وضعیت را می‌توان در بی‌ثباتی و ناپایداری رشد اقتصادی در این کشورها دانست که تداوم لازم را برای سیر صعودی در بلندمدت ندارد.

شاخص کیفیت مؤسسات به عنوان یک شاخص نهادی و حکومتی و شاخص یکپارچگی اقتصادی نیز به عنوان یک شاخص تعامل خارجی و تجاری باعث افزایش رشد اقتصادی خواهند شد. در مقایسه بین این دو شاخص نیز می‌توان گفت، کیفیت مؤسسات بیشتر از یکپارچگی اقتصادی موجب افزایش رشد اقتصادی خواهد شد و این موضوع به لزوم ثبات حاکمیت و نظام موجود در یک کشور بستگی دارد که موجب ایجاد امنیت داخلی و خارجی خواهد شد و در سایه آن رشد اقتصادی بیشتری را می‌توان شاهد بود.

افزایش درآمدهای نفتی به عنوان یکی از منابع درآمدی دولت در کشورهای مورد بررسی، باعث افزایش رشد اقتصادی به میزان ۰/۵۵ واحد شده است. از آنجایی که کشورهای خاورمیانه اکثراً به عنوان کشورهای نفت‌خیز در کل دنیا شناخته شده‌اند، لذا درآمدهای نفتی دارای سهم بالایی در تولید ناخالص داخلی این کشور است و این انتظار وجود دارد که با افزایش آن، رشد اقتصادی در کشورهای مربوطه افزایش یابد ولی بایستی توجه نمود که درآمدهای نفتی، درآمدهای ناپایدار و بی‌ثبات این گونه کشورها هستند و بایستی در بلندمدت جایگزین درآمدی پایدارتری انتخاب نمود.

همچنین با وارد نمودن دو متغیر اصلی نیروی کار و سرمایه در تابع رشد، اثرات این دو متغیر بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار بوده است، به طوری که با افزایش تعداد نیروی کار و میزان سرمایه، رشد اقتصادی به ترتیب ۰/۳۴ و ۰/۱۹ درصد افزایش می‌یابد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

ایجاد امنیت یکی از بسترهای مهم رشد اقتصادی است و مهمترین اثرات اقتصادی امنیت در پدیده سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبلور می‌یابد. امنیت به تنهایی در توان دفاعی و صرف مخارج نظامی خلاصه نمی‌شود و همانگونه که در رویکردهای نوین بررسی‌های امنیت مشاهده می‌شود، امنیت به

ایجاد زمینه‌های شکل‌گیری آنها در جامعه ثبات حاکمیت و سیاست‌های تنظیمی و اصلاحی و به عبارتی اصلاح درک قانون از حکومت قانون در کشور و تکیه بر قواعد عام و کلی.

- استفاده از نیروهای کارآموده و خبره جهت رایزنی‌ها و تبادل نظرات بین‌المللی جهت جلوگیری از ایجاد جنگ‌های خارجی
- فرهنگ‌سازی مفاهیم امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و

منابع

- اسماعیل‌نیا، علی اصغر و وصفی اسفستانی، شهرام (۱۳۹۵). "تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب". *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، دوره ۱۶، شماره ۶۱، ۱۵۴-۱۲۷.
- اصغری‌پور، حسین؛ احمدیان، کسری و منیعی، امید (۱۳۹۲). "اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی ایران؛ رهیافت غیرخطی APARCH". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۲۱، شماره ۶۸، ۱۹۴-۱۷۵.
- برومند، شهزاد؛ فخرحسینی، سیدفخرالدین؛ امینی، صفی‌ار و شاه‌حسینی، سمیه (۱۳۸۷). "امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)". *مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، دفتر مطالعات اقتصادی.
- رومر، دیوید (۲۰۰۱). "اقتصاد کلان پیشرفته". ترجمه مهدی تقوی (۱۳۹۳)، *نشر دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات*، جلد اول، چاپ دوم.
- زرعشاهی، علی (۱۳۷۹). "بی‌ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران". *مجله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، مطالعات راهبردی، دوره ۳، شماره ۷، ۲۴۱-۲۲۲.
- سوری، علی (۱۳۹۲). "اقتصادسنجی". جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ شناسی.
- عرب‌مازار، علی‌اکبر؛ مشرفی، رسام و مصطفی‌زاده، محمد (۱۳۹۷). "اقتصاد سیاسی رشد و تأثیر برخی از عوامل بنیادی بر رشد اقتصادی ایران"، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۸، شماره ۳۰، ۳۲-۱۷.
- فطرس، محمدحسن؛ راضیه صحرایی، معصومه یآوری (۱۳۹۷). "بررسی اثر جنگ بر امنیت غذایی در کشورهای منتخب منطقه منا ۱۳۹۳-۱۳۶۹ (رویکرد پانل دیتای نامتوازن)". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۸، شماره ۳۰، ۶۶-۵۵.
- فطرس، محمدحسن؛ راضیه صحرایی، معصومه یآوری (۱۳۹۷). "بررسی اثر جنگ بر امنیت غذایی در کشورهای منتخب منطقه منا ۱۳۹۳-۱۳۶۹ (رویکرد پانل دیتای نامتوازن)". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۸، شماره ۳۰، ۶۶-۵۵.
- فقه‌مجیدی، علی؛ سلامی، فریبا و ضرونی، زهرا (۱۳۹۶). "بررسی اثر دموکراسی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه". *پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره ۱۲، شماره ۴، ۱۶۴-۱۳۷.
- فیروزنیا، قدیر؛ جاسمی، الهام و قرنی آرائی، بهروز (۱۳۹۵). "تأثیر جنگ تحمیلی بر روند رشد و توسعه اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قصرشیرین)". *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، دوره ۱۱، شماره ۳۷، ۱۱۸-۱۰۳.
- گل‌خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۳). "بررسی و مطالعه تطبیقی تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه نیافته: رهیافت GMM سیستمی". *فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی*، دوره ۴، شماره ۱۵، ۴۳-۲۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). "جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی". ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، *انتشارات علم و ادب*، چاپ اول.
- مهرابی‌نژاد، حسن (۱۳۸۸). "کارکردهای اقتصاد رانتی و تأثیر آن بر روند جنگ ایران و عراق". *فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس (نگین ایران)*، دوره ۸، شماره ۳۰، ۲۲-۱.
- میرترابی، سعید؛ سمیعی، مهرانگیز و ربیعی، اسماعیل (۱۳۹۰). "تبیین نقش نفت در تحولات (آغاز، استمرار و پایان) جنگ ایران و عراق". *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۸، ۴۹-۲۱.

- Acemoglu, D., Johnson, S. & Robinson, J. (2001). "The Colonial Origins of Comparative Development: an Empirical Investigation". *American Economic Review*, 91, 1369-1401.
- Acemoglu, D., Suresh, N., Pascual, R. & James, R. (2014). "Democracy Does Cause Growth". *National Bureau of Economic Research Working Paper No. 20004*.
- Anderson, T. W. & Hsiao, C. (1981). "Estimation of Dynamic Models with Error Component". *Journal of the American Statistical Association*, 76, 1-14.
- Arellano, M. & Bond, S. (1991). "Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations". *The Review of Economic Studies*, 58(2), 277-297.
- Arellano, M. & Bover, O. (1995). "Another Look at the Instrumental Variable Estimation of Error Components Models". *Journal of Econometrics*, 68(1), 29-51.
- Bakke, K. M. (2014). "Copying and Learning from Outsiders? Assessing Diffusion from Transnational Insurgents in the Chechen Wars. In: Checkle, Jeffrey T. (Ed). *Transnational Dynamics of Civil War*. Cambridge University Press, Cambridge, 31-62.
- Baltagi, B. (2005). "Econometric Analysis of Panel Data". *John Wiley & Sons Ltd, London*.
- Beardsley, K. (2011). "Peacekeeping and the Contagion of Armed Conflict". *The Journal of Politics*, 73, 1051-1064.
- Billon, P. (1985). "Fuelling War: Natural Resource and Armed Conflicts". *Oxford University Press*.
- Booth, K. (1991). "Security and Emancipation". *Review of International Studies*, 17(4), 313-326.
- Braithwaite, A. (2010). "Resisting Infection: How State Capacity Conditions Conflict Contagion". *Journal of Peace Research*, 47, 311-319.
- Cali, M., Wissam, H., Fadi, H. & Clemens, C. (2015). "The Impact of the Syrian Conflict on Lebanese Trade". *World Bank, Working Paper*. 87-96.
- Carmignani, F. & Kler, P. (2018). "Your War, My Problem: How Conflict in a neighbour Country Hurts Domestic Development". *Economic Modelling*, 70, 484-495.
- Chang, R., Kaltani, L. & Loayza, N. (2009). "Openness Can be Good for Growth: the Role of Policy Complementarities". *NBER Working Paper No. 11787*, 33-49.
- Daron, A., Simon, J. & James, R. (2005). "Institutions as a Fundamental Cause of Long-Run Growth". *Handbook of Economic Growth* 1A, 386-472.
- Douhan, R. & Henrekson, M. (2007). "The Political Economy of Entrepreneurship: An Introduction". *Working Paper Series 688, Research Institute of Industrial Economics*. 1-34.
- Dunne, P., Smith, R. & Willenbockel, D. (2005). "Models of Military Expenditure and Growth: A Critical Review". *Defense and Peace Economics*, 16(6), 449-461.
- Fatas, A. & Mihov, I. (2013). "Policy Volatility, Institutions, and Economic Growth". *Review of Economics and Statistics*, 95, 362-376.
- Garcia, Blake E., Wimpy, Cameron, (2014). "Does Information Lead to Emulation? Spatial Dependence in Anti-Government Violence". *Political Sci. Res. Methods*, 4(1), 1-20.
- Gleditsch, N., Wallensteen, P., Eriksson, M., Sollenberg, M. & Strand, H. (2002). "Armed Conflict 1946-2001: a New Dataset". *Journal of Peace Research*, 39, 615-637.
- Greene, W. H. (2012). "Econometric Analysis". 7th Edition, *Prentice Hall*.
- Henry, M., Kneller, R., Milner, C. & Girma, S. (2012). "Do Natural Barriers Affect the Relationship Between Trade Openness and Growth?". *Oxford Bulletin of Economics and Statistics, Department of Economics, University of Oxford*, 74, 1-19.

- Hill, R., Griffiths, W. & Lim, G. (2008). "Principles of Econometrics". (Third ed.), New York: *John Wiley & Sons, Inc.*
- Humphreys, M. (2005). "Natural Resource Conflict Resolution". *Journal of Conflict Resolution*, 49(4), 508-537.
- Ketterer, T. D. & Rodríguez-Pose, A. (2016). "Institutions Vs. 'First-Nature' Geography: what Drives Economic Growth in Europe's Regions?". *Papers in Evolutionary Economic Geography (PEEG) 1614*, Utrecht University, Department of Human Geography and Spatial Planning, Group Economic Geography.
- Knutsen, C. H. (2012). "Democracy and Economic Growth: A Review of Arguments and Results". *International Area Studies Review, Center for International Area Studies, Hankuk University of Foreign Studies*, 15(4), 393-415.
- Linke, A. M., Schutte, S. & Buhaug, H. (2015). "Population Attitudes and the Spread of Political Violence in Sub-Saharan Africa". *International Studies Review*, 17, 26-45.
- ManHo, K. & Dinov, I. (2013). "An Empirical Study on Economic Prosperity and Peace". *UCLA Undergraduate Science Journal*, 26, 30-41.
- Maves, B. & Braithwaite, A. (2013). "Autocratic Institutions and Civil Conflict Contagion". *Journal Politics*, 75, 478-490.
- Metternich, N. W., Minhas, S. & Michael, D. (2015). "Firewall? Or Wall on Fire? A Unified Framework of Conflict Contagion and the Role of Ethnic Exclusion". *Journal Confl. Resolut.*, <https://doi.org/10.1177/0022002715603452>. 1-25.
- Murdoch, J. C. & Sandler, T. (2004). "Civil Wars and Economic Growth: Spatial Dispersion". *American Journal of Political Science*, 48, 138-151.
- Narayan, P. K. & Smyth, R. (2009). "A Panel Data Analysis of the Military Expenditure-External Debt Nexus: Evidence from Six Middle Eastern Countries". *Journal of Peace Research*, 46(2), 235-250.
- Tiwari, A. K. & Tiwari, A. P. (2010). "Defence Expenditure and Economic Growth: Evidence from India". *Journal of Cambridge Studies*, 5(118), 117-131.
- Train, K. (2003). "Discrete Choice Methods with Simulation". *Cambridge, U.K.: Cambridge University Press.*
- Yildirim, J., Ocal, N. & Keskin, H. (2011). "Military Expenditures, Economic Growth and Spatial Spillovers". *International Conference On Applied Economics – ICOAE*, pp 811-819.